

## اگر سازمان محیط زیست نباشد



این روزها هر پروژه و طرحی که افتتاح می‌شود، یاد استاد سرشناس محیط زیست می‌افتد که گفت: «نمی‌دانم چرا ما ایرانی‌ها اینقدر به زباله‌ها، جاده‌ها و پالایشگاه‌هایمان عشق می‌ورزیم؟»

این روزها هر پروژه و طرحی که افتتاح می‌شود، یاد استاد سرشناس محیط زیست می‌افتد که گفت: «نمی‌دانم چرا ما ایرانی‌ها اینقدر به زباله‌ها، جاده‌ها و پالایشگاه‌هایمان عشق می‌ورزیم؟»

ما زباله‌هایمان را در بهترین و زیباترین مناطق طبیعی کشور رها می‌کنیم و جاده‌ها، پالایشگاه‌ها و صنایع را هم در بی‌نظیرترین چشم‌اندازهای طبیعی کشور می‌سازیم! این سخن مال آن روزی است که اعلام شد قرار است در جنگل‌های گیلان پتروشیمی ساخته شود. از آن روز سال‌ها می‌گذرد اما هفته‌ای نیست که این جمله استاد محیط زیست یادمان نیاید. حالا هم بهانه‌اش کارخانه سیمانی است که در زون حفاظتی پارک ملی گلستان و در دل جنگل ساخته شده و راه‌آهنی که قرار است از کنار تالاب‌های استان گلستان بگذرد و ارزیابی زیست‌محیطی ندارد. البته خبر رهاسازی انبوه زباله در ساحل محمود آباد و دفن میلیون‌ها تن زباله در جنگل را هم به آن اضافه کنید تا ببینید چه کشیده‌ایم در این چند روز.

بازگردیم به همان پروژه کارخانه سیمان؛ اصولاً پارک ملی به منطقه‌ای گفته می‌شود که به دلیل شرایط منحصر به فرد زیست‌محیطی برای آن کشور، تابع قوانین خاصی است؛ از جمله اینکه هرگونه ساخت‌وساز یا استقرار کارخانه و... در این پارک‌ها ممنوع است و حتی رفت‌وآمد در این پارک‌ها هم تحت شرایط خاصی به صورت کنترل شده باید صورت بگیرد، اما این روزها نه تنها در مهم‌ترین پارک ملی ایران کارخانه سیمان افتتاح می‌شود، که جاده‌سازی وسیعی نیز در آن صورت می‌گیرد. کمی آن‌سوتر از این پارک، قرار است در پناهگاه حیات وحش میانکاله پالایشگاه ساخته شود، دفن زباله در جنگل با شدت ادامه می‌یابد و خبر رسیده که ساخت خط‌آهنی که از استان گلستان و از کنار 4 تالاب آن می‌گذرد، ارزیابی زیست‌محیطی ندارد. فارغ از مشکلات زیست‌محیطی پروژه‌های دیگر، در ارتباط با همین چند پروژه آیا جای آن نیست که بپرسیم جایگاه سازمان حفاظت محیط زیست در این پروژه‌ها کجاست؟ چگونه مجوز ساخت چنین پروژه‌هایی داده می‌شود و صدایی از این سازمان بر نمی‌آید؟ اصولاً اگر سازمان محیط زیست عناوینی چون پارک ملی یا منطقه حفاظت شده را حذف کند آیا اتفاقی ناگوارتر از امروز برای این مناطق می‌افتد؟

توسعه غیرمسئولانه و بدون توجه به اثرات زیست‌محیطی، البته این روزها سازمان محیط زیست را به خود مشغول کرده است؛ نمونه آن، سدسازی و بی‌توجهی به حقایق دریایچه ارومیه است، چنان که امروز این دریایچه در حال تبدیل شدن به کویر است. حال سازمان محیط زیست باید میلیاردها تومان بودجه صرف کند تا وضعیت این دریایچه را کمی بهبود بخشد. آنگونه که از ظواهر برمی‌آید، قرار نیست تاخت و تاز و تخریب در عرصه‌های طبیعی کاهش یابد بنابراین سازمان حفاظت از محیط زیست نیز بد نیست مسئولیت خود را در بخش «حفاظت»؛ به صافکاری و مرمت پس از ساخت و ساز در عرصه‌های طبیعی تغییر دهد تا دست کم در آن بخش مهارت و دانش و تجربه لازم کسب شود.